خبر

فرمانده کل قوا در پیامی
به مناسبت هفته نیروی انتظامی مطرح کردند

فراجا از ستون‌های مستحکم امنیت کشور



حضرت آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای در پیامی به مناسبت هفته نیروی انتظامی، ضمن قدردانی از مجاهدت و رشادت فرماندهی شجاع و باهوش و نیروهای غیور فراجا و خانواده‌های آنان، فراجا را از ستون‌های مستحکم امنیت کشور خواندند و تأکید کردند: تقویت همه‌جانبه نیروهای حافظ امنیت از جنبه‌های مختلف خصوصا ارتقای فناوری‌ها از جمله استفاده هدفمند از هوش مصنوعی، نقش مهمی در کیفیت و تسهیل ماموریت‌ها دارد.

به گزارش «پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر رهبر انقلاب اسلامی» متن پیام فرمانده معزز کل قوا به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحیم

امنیت، از مهم‌ترین نعمات الهی است و برقراری آن در نقاط مختلف ایران عزیز، از شهرهای بزرگ تا جزئی‌ترین واحدهای جمعیتی در روستاها و محله‌ها، از مرزبانی‌های سخت در شرایط دشوار آب و هوایی و اقلیم‌های متنوع کوهستان‌ها تا دریاها، از دشت‌ها و جنگل‌ها تا مرکزی‌ترین نقاط کشور، مرهون رشادت و شجاعت نیروهای فداکار و زحمتکش فراجا به عنوان یکی از ستون‌های مستحکم امنیت کشور است.

این امنیت ابعاد مختلف اجتماعی، اخلاقی و آسایش عمومی را در جامعه فراهم می‌کند و چنین خدمت ارزشمندی علاوه بر جهاد فی سبیل‌الله، از پشتوانه اجتماعی قوی برخوردار است. نقش پررنگ فراجا در سطوح مختلف از رده‌های فرماندهی و ستادی تا کلانتری‌ها و پاسگاه‌ها برای تأمین امنیت در سال‌های اخیر برجستگی بیشتری یافته و نشانه‌های این تأثیر در جنگ‌های دوم و سوم تحمیلی آشکارتر شد.

تمرکز و اصرار دشمن جنایتکار آمریکایی - صهیونی برای ضربه زدن به رده‌های مختلف فراجا از بالاترین سطوح تا سرپنجه‌های آن نیز اهمیت این نهاد را بیش از پیش عیان نمود. اما این تلاش مذبوحانه و ضربات خباثت‌آلود به ارکان نظم و امنیت جامعه که مشابهی برای آن در طول تاریخ موجود نیست، باعث نشد نیروهای شجاع فراجا ذره‌ای از مأموریت خود کوتاه بیایند و حتی در خیابان‌ها و خودروها، همان نقش و وظایفی را که در امکنه و مقرهای خود ایفا می‌کردند، به انجام رساندند.

به همین جهت ملت مظلوم و مقتدر ایران، قدردان زحمات و تلاش‌های بی‌وقفه خدمتگزاران به امنیت کشورند و متقابلا نیروهای فراجا که همانند ارتش و سپاه از عمق جامعه برمی‌خیزند، با رفتار اعتمادآفرین خود می‌توانند اعتماد مردم را به این نهاد ارزشمند ارتقا بخشند. ممکن است خیلی از اوقات زحمات و فداکاری‌های حافظان امنیت، نزد برخی افراد عادی‌انگاری شود و همین مظلومیت و گمنامی است که اجر آنان را در پیشگاه الهی افزون می‌سازد. تقویت همه‌جانبه نیروهای حافظ امنیت از جنبه‌های مختلف انسانی، سخت‌افزاری و نرم‌افزاری خصوصا ارتقای فناوری‌ها از جمله استفاده هدفمند از هوش مصنوعی در تحلیل داده‌ها، نقش مهمی در کیفیت و تسهیل انجام مأموریت‌های فراجا دارد.

با درخواست علو درجات و رضوان الهی برای شهدای والامقام فراجا و قدردانی از همه خانواده‌ها و کارکنان، سربازان و نیروهای رشید و غیور خصوصا فرمانده شجاع و خستگی‌ناپذیر و باهوش فراجا و مجاهدت‌های ایشان؛ امیدوارم با دعای سرورمان عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف در اعتلای امنیت، اقتدار و عزت ایران اسلامی بیش از پیش موفق باشند.

سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای
۱۶ مهر ۱۴۰۵

اظهارات مارکو روبیو در آتن و روایت ضدایرانی او از جنگ‌های یونان و هخامنشیان، تلاشی در راستای ایجاد یک پشتوانه تاریخی - ایدئولوژیک برای جنگ آمریکا علیه ایران است

جنگ باستانی



حسین کیامنش

وزیر خارجه آمریکا این روزها ظاهرا دیگر صرفا درباره سیاست خارجی آمریکا سخن نمی‌گوید، بلکه در حال بازتعریف ایدئولوژی است که سیاست خارجی واشنگتن در آن معنا می‌یابد. مارکو روبیو در سخنرانی ۱۷ اکتبر ۲۰۲۶ در تپه پنیکس آتن، مشرف به آکروپولیس، روایتی را پیش کشید که فراتر از یک نطق دیپلماتیک معمولی بود. او با تکیه بر میراث یونان باستان، تمدن غرب را به عنوان عالی‌ترین دستاورد بشری معرفی کرد و آمریکا را وارث، نماینده و رهبر طبیعی آن دانست. وی تأکید کرد کشورهای غرب باید متحد و پشتیبان آمریکا باشند تا این تمدن در برابر تهدیدهای معاصر حفظ شود. در این چارچوب، او جمهوری اسلامی ایران را به عنوان نمادی از ایدئولوژی متضاد با ارزش‌های غرب به تصویر کشید و به طور ضمنی از جنگ‌های یونان باستان و هخامنشیان روایتی ارائه کرد که جنگ کنونی آمریکا علیه ایران را در بستر یک رویارویی تمدنی قرار داد؛ تلاشی که در شرایطی که جنگ آمریکا علیه کشورمان به بن‌بست راهبردی رسیده، کارکردی فراتر از بلاغت دارد و تلاشی است برای بسیج متحدان غربی علیه ایران.

وزیر خارجه آمریکا تلاش خود را با توصیف حمله خشایارشا در سال ۴۸۰ پیش از میلاد آغاز کرد. او با ارائه روایت ضدایرانی که با توهین به ایرانیان باستان همراه بود، گفت: «۴۸۰ سال قبل از میلاد، سپاهیان خشایارشا به این شهر رسیدند و زیارتگاه‌های آن را به آتش کشیدند. بیشتر آتنی‌ها تا آن زمان با کشتی به جزیره‌ای نزدیک رفته بودند اما تعدادی از آنها حاضر نشدند خانه خود را ترک کنند. به جای آن، در دژ سنگی آکروپولیس سنگر گرفتند تا آخرین مقاومت فوق‌العاده خود را انجام دهند. سنگ‌های عظیم را از صخره‌ها روی مهاجمان پارسی فروریختند و بزرگ‌ترین امپراتوری آن عصر را برای چند روز پشت دروازه‌ها نگه داشتند. سرانجام مغلوب شدند. پارسیان معابد را غارت کردند، زیارتگاه‌ها را سوزاندند و آکروپولیس را با خاک یکسان کردند».

نقطه عطف و شاید مهم‌ترین بخش سخنان روبیو جایی بود که تأکید کرد آمریکا نماینده تمدن غرب است و بقیه غرب باید برای حفظ این تمدن همراه و پشتیبان آن باشند. وی گفت آمریکا تحت ریاست‌جمهوری ترامپ مسیر «پیگیری بی‌پرده قدرت ملی» را انتخاب کرده و اروپا باید از «خواب طولانی» بیدار شود تا آتشی که هزاران سال پیش در یونان روشن شد، دوباره شعله‌ور شود. روبیو تصریح کرد اتحاد غرب نباید به معنای حذف حاکمیت ملی باشد، بلکه ابزاری برای دفاع از هویت‌های متمایز در برابر تهدیدهای مشترک است. در روایت وی، آمریکا نه‌تنها وارث یونان و روم، بلکه نگهبان معاصر آن تمدن معرفی می‌شود که دیگران باید در کنار آن بایستند.

روبیو این حرف‌ها را در حالی زد که در بخش دیگری از سخنان خود، با پیش کشیدن حمله خشایارشا به آتن و آتش زدن زیارتگاه‌ها خواست به طور تلویحی این گزاره را مطرح کند که ایرانیان قومی مهاجم و وحشی بوده‌اند، در حالی که تمدن غرب ویژگی‌هایی چون قهرمانی، وظیفه، افتخار و ارزش‌گذاری بر زندگی دارد!

■ آنچه روبیو با پیش کشیدن تقابل تمدنی دنبال می‌کند

با توجه به صحبت‌های وزیر خارجه آمریکا باید به این نکته اشاره کرد که ارجاعات او به جنگ ایران و غرب در دوره باستان، در این جهت است که برای جنگ امروز آمریکا علیه ایران، یک تصویر زمینه‌ای و پشتوانه ایدئولوژیک درست کند؛ یعنی جنگ کنونی ایالات متحده علیه کشورمان را به طور غیرمستقیم امتداد همان جنگ‌های باستان تصویر کند و در نتیجه یک وجهه تاریخی، ایدئولوژیک و تمدنی به جنگ امروز آمریکا علیه ایران بدهد. در شرایطی که آمریکا درگیر جنگی پرهزینه با ایران است و به بن‌بست راهبردی رسیده، چنین روایتی می‌تواند توجیه‌گر تداوم آن باشد: نه صرفا یک نزاع ژئوپلیتیک بر سر برنامه هسته‌ای یا قدرت منطقه‌ای یا حتی جمهوری اسلامی، بلکه دفاع از میراث تمدن وحشی غرب در برابر ایران که ریشه در تاریخ دارد! روبیو با اشاره به جنگ خشایارشا، جنگ کنونی را به سطح حماسی و وجودی ارتقا می‌دهد و از متحدان غربی می‌خواهد با همان شور نیاکان خود در این نبرد شرکت کنند.

تبدیل جنگ به تقابل تمدنی، در شرایط بن‌بست راهبردی کنونی، به زعم آمریکایی‌ها می‌تواند امکان همراه کردن اروپا و غرب را برای ادامه جنگ و هر جنگ احتمالی دیگری علیه ایران فراهم آورد. تجربه جنگ رمضان نشان داد اروپا و ناتو از رویارویی مستقیم با ایران، به‌ویژه در تنگه هرمز، سر باز زدند. کشورهای اروپا ترجیح دادند از درگیری مستقیم نظامی فاصله بگیرند، حتی زمانی که ترامپ بارها از آنها درخواست کرد برای بازگشایی تنگه هرمز به ارتش تروریست آمریکا ملحق شوند. البته این به معنای چشم‌پوشی پشتیبانی لجستیکی اروپا از حملات تجاوزکارانه آمریکا به ایران نیست. کما اینکه دبیرکل ناتو اخیرا اعتراف کرد اروپا در ۵ هزار عملیات هوایی آمریکا علیه ایران، همکاری لجستیکی داشته است. اکنون با فرسایشی شدن جنگ و هزینه‌های فزاینده برای شخص ترامپ و آمریکا، چارچوب تمدنی می‌تواند مقاومت اروپا برای ورود مستقیم به جنگ را تضعیف کند. اگر جنگ نه بر سر منافع خاص آمریکا، بلکه بر سر بقای تمدن مشترک غرب تعریف شود، فشار اخلاقی و هویتی بر متحدان اروپایی آمریکا افزایش می‌یابد و امتناع از همراهی نیز دشوارتر می‌شود. روبیو با سخنرانی در قلب نمادین یونان باستان، دقیقا در حال ساخت چنین بستری بود: تبدیل یک جنگ منطقه‌ای به نبردی وجودی که اروپا نمی‌تواند خود را از آن کنار بکشد.

این اقدام، یعنی پیش کشیدن بحث جنگ ایران و یونان و تلاش برای نشان دادن ایرانیان به عنوان نیروهای مهاجم و وحشی، در حالی است که روبیو هیچ اشاره‌ای به ریشه‌های آن جنگ‌ها نمی‌کند. او از حمله خشایارشا به آتن و سوزاندن زیارتگاه‌های آکروپولیس حرف می‌زند اما نمی‌گوید این اقدام ایرانیان باستان در واکنش به حمله و سوزاندن معبد سارد (پایتخت لیدیه تحت کنترل هخامنشیان) به دست یونانیان و نیروهای آتن و ارتریا در جریان شورش ایونیان در سال ۴۹۸ پیش از میلاد بوده است. شورش ایونیان با حمایت آتن آغاز شد و آتش‌سوزی سارد، از جمله معبد کوبله، یکی از انگیزه‌های اصلی داریوش و سپس خشایارشا برای مجازات آتن بود. روبیو این زمینه را حذف می‌کند و تنها بخش پایانی ماجرا را برجسته می‌کند تا تصویری یک‌سویه از «تهاجم شرق» در برابر «مقاومت غرب» بسازد.

حال بر فرض صحت ادعای روبیو و بدون در نظر گرفتن ریشه‌های جنگ‌هایی که او اشاره می‌کند، اگر آتش کشیدن معابد آتن توسط ایرانیان نشانه توحش تمدنی است، پس به آتش کشیدن تخت جمشید توسط اسکندر مقدونی نشانه چیست؟

■ یادآوری واقعیت تقابل تمدنی به ایرانیان

به رغم روایت نصفه و نیمه و جهت‌دار از تقابل تمدنی ایران و غرب، روبیو یک واقعیت را به ایرانیان ساده‌دلی که فکر می‌کنند مشکل آمریکا با ایران صرفا به روی کار بودن جمهوری اسلامی برمی‌گردد و مربوط می‌شود، یادآوری کرد و آن اینکه اساسا مساله تقابل امروز، نه جنگ آمریکا با یک نظام اسلامی که تقابل با یک تمدن دیرینه است. وزیر خارجه ایالات متحده تلویحا اذعان می‌کند دشمنی کنونی آمریکا با ایرانیان، فراتر از ایدئولوژی یا ساختار جمهوری اسلامی است و اساسا ریشه در هویت تمدنی دارد. این یادآوری، هرچند از موضع خصمانه بوده اما این نکته را یادآوری می‌کند که در گفتمان آمریکایی‌ها، جمهوری اسلامی ایران نه صرفا یک حاکمیت مشکل‌ساز برای ایالات متحده، بلکه نماینده یک تمدن رقیب تاریخی دیده می‌شود که باید مهار یا حداقل تضعیف شود.

این نگاه را در اظهارات پیشین رئیس تبهکار دولت تروریست آمریکا نیز می‌توان دید. در جریان جنگ اخیر، ترامپ دست‌کم چند مرتبه ایران را به نابودی تمدن تهدید کرد. آوریل ۲۰۲۶ او در پستی نوشت «یک تمدن کامل امشب خواهد مرد، هرگز دوباره بازنخواهد گشت» و در مجمع عمومی سازمان ملل نیز تهدید کرد ایرانیان را باید «به جهنم بفرستد بدون هیچ شانسی برای بقا و امید به عظمت آینده یا نسل‌ها».

سخنان روبیو در آتن را می‌توان تلاشی برای ساختن یک چارچوب ایدئولوژیک دانست که جنگ جاری آمریکا علیه ایران را از یک درگیری راهبردی به نبردی برای بقای تمدن غرب تبدیل می‌کند. او با انتخاب مکان نمادین آکروپولیس و احضار خاطره مقاومت در برابر خشایارشا تلاش می‌کند هم متحدان غربی را وادار به همراهی با واشنگتن کند و هم مشروعیت تاریخی برای سیاست‌های خصمانه آمریکا علیه تهران فراهم آورد. در شرایط بن‌بست راهبردی‌ای که آمریکا در آن گرفتار شده، این روایت مستأصل‌گونه روبیو تلاشی است تا شاید بتواند اروپا را که در جنگ ۴۰ روزه از درگیری مستقیم با ایران اجتناب کرد، تحت فشار هویتی قرار دهد تا در تداوم یا گسترش درگیری‌های احتمالی در آینده، مشارکت بیشتری داشته باشد.

هشدار سپاه به شناورهایی که قصد عبور غیرمجاز از تنگه هرمز را دارند

مجازات فراتر از محدوده تنگه

نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی روز گذشته با صدور اطلاعیه‌ای اعلام کرد کشتی غول‌پیکر حامل گاز ال‌پی‌جی که قصد عبور غیرقانونی از تنگه هرمز را داشت، مورد اصابت قرار گرفت و دچار آتش‌سوزی شد.

روابط عمومی سپاه پاسداران ضمن تمجید از حضور ادامه‌دار مردم در سنگر خیابان تصریح کرد: دریادلان نیروی دریایی سپاه در تحقق دستور فرمانده معزز کل قوا و خواست عموم مردم ایران مبنی بر اعمال حاکمیت بر تنگه هرمز، اداره تنگه را در اختیار دارند و اجازه حضور ارتش‌های متجاوز را در این منطقه نداده و نخواهند داد و با شیطنت‌های دشمن برای اخلال در این مدیریت با قاطعیت برخورد می‌کنند.

بنا بر اعلام سپاه، در راستای اجرای این ماموریت، روز گذشته کشتی غول‌پیکر حامل گاز ال‌پی‌جی به نام «اِن‌وی سان‌شاین» متعلق به شرکت ناتویت که قصد عبور از مسیر غیرقانونی جنوب تنگه هرمز را داشت، مورد اصابت قرار گرفت و دچار آتش‌سوزی گسترده در قسمت موتورخانه و سامانه رانش شد.

با اعلام این خبر، نیروی دریایی سپاه در هشداری اعلام کرد: همگان بدانند مسؤولیت مستقیم این حوادث و تنش‌افزایی در حمل‌ونقل دریایی منطقه بر عهده ارتش متجاوز آمریکاست که با دخالت و فریب مدیران شرکت‌های کشتیرانی و شرکت‌های بیمه‌گذار و پرداخت رشوه‌های کلان، مسبب چنین حوادثی می‌شود و با ادامه این مداخلات، حوادث تلخ روز به روز افزایش خواهد یافت.

نیروی دریایی سپاه پاسداران همچنین خبر داد شرکت‌هایی که فریب متجاوزان آمریکایی را بخورند، تحریم می‌شوند و اقدامات تنبیهی لازم در مورد همه شناورهای شرکت‌های متخلف اعمال خواهد شد. نکته جالب توجه پیام هشدارآمیز نیروی دریایی سپاه جایی است که این نیرو از تغییر گستره تنبیه شناورهایی که قصد عبور غیرمجاز از تنگه هرمز را دارند خبر داد. بنا بر اعلام سپاه پاسداران، «من‌بعد برخورد با شناورهای متخلف محدود به تنگه هرمز نخواهد بود و هر شناوری از معبر غیرمجاز عبور کند در سراسر منطقه تحت تعقیب قرار می‌گیرد و تنبیه آن قطعی خواهد بود».

[ورود شاهدهای ارتقایافته به میدان رزم]

رسانه‌های اقلیم کردستان عراق شامگاه پنجشنبه گزارش دادند ۲ پهپاد انتحاری شاهد یک مقر متعلق به یک گروهک تروریست تجزیه‌طلب ضدایرانی را هدف قرار دادند. شورش حاجی، مسؤول روابط عمومی گروهک ضدایرانی خبات نیز با تایید این حمله، خبر داد مقر این گروهک در ناحیه رزگاری واقع در منطقه خبات اربیل مورد حمله قرار گرفت. در همین حال رسانه‌های عراق از هلاکت و جراحت چندین تروریست در این حمله پهپادی خبر دادند. در همین حال، روز گذشته نیز منابع خبری در اقلیم کردستان عراق، از حمله مجدد پهپادی به مقر گروهک‌های تروریست تجزیه‌طلب خبر دادند. تصاویری نیز از آسمان اربیل منتشر شد که پهپادهای شاهد را در حال حرکت نشان می‌داد.

به گزارش «وطن امروز»، در حملات اخیر پهپادی به مقر گروهک‌های تروریست تجزیه‌طلب، از نسل جدید پهپادهای سری شاهد ۱۳۶ ساخت ایران استفاده شد. گفتنی است برخی ویژگی‌های این نسل شاهدها شامل مانورپذیری بالا و قدرت تخریب و سرعت بیشتر است.

پاس گل ترامپ به دموکرات‌ها

نگاه

ادامه از صفحه اول

مسائل انتخاباتی گراهام نیز به این نگرانی‌ها افزوده است: توان کمتر در جذب کمک مالی نسبت به رقیب، حضور محدود در برابر رسانه‌ها و عملکردی که در مناظره مقدماتی، به‌ویژه در موضوع سیاست خارجی، با انتقاد مواجه شد. تزریق منابع مالی در چنین شرایطی را می‌توان تلاشی برای کاهش خطر از دست رفتن کرسی دانست اما همین اقدام، به‌تنهایی، پرسشی سیاسی ایجاد می‌کند: چرا حزب جمهوری‌خواه باید برای حفظ یک جایگاه در ایالتی که زمانی امن تلقی می‌شد، چنین هزینه‌ای را ضروری بداند؟

تغییر اولویت‌ها در تخصیص منابع نیز اهمیت دارد. پول و نیروی تبلیغاتی‌ای که برای دفاع از کارولینای جنوبی مصرف می‌شود، دیگر در دسترس رقابت‌های دشوار در ایالت‌هایی مانند آریزونا، جرجیا، پنسیلوانیا و نوادا نیست. اگر جمهوری‌خواهان ناچار شوند همزمان از مواضع خود در مناطق سنتی دفاع کنند و در ایالت‌های چرخشی نیز برای حفظ اکثریت بجنگند، میدان عمل آنان محدودتر می‌شود. به بیان دیگر، توان و ظرفیتی که می‌توانست صرف گسترش نفوذ حزب شود، ممکن است درگیر بقای حداقلی جمهوری‌خواهان شود!

این فشارها فقط حاصل یک رقابت یا یک نامزد نیست. شکست‌های مکرر آمریکا در عرصه سیاست خارجی (که جنگ رمضان مهم‌ترین مصداق آن محسوب می‌شود)، تغییر ترکیب جمعیت، رشد شهرها و حومه‌ها، جابه‌جایی گروه‌های جوان و تحصیلکرده و تغییر نگرش بخشی از زنان و طبقه متوسط نسبت به سیاست‌های حزبی، در حال بازآرایی نقشه انتخاباتی است. افزون بر این، بخشی از رأی‌دهندگان از لحن تند و سیاست‌های قطبی‌شده فاصله می‌گیرند و درباره توانایی دولت در مدیریت هزینه‌های زندگی، خدمات عمومی و مسائل بین‌المللی پرسش‌هایی دارند. جمهوری‌خواهان هنوز پاسخی که بتواند طیف گسترده‌تری از رأی‌دهندگان را جذب کند، پیدا نکرده‌اند.

در این میان، رئیس‌جمهور تروریست تبهکار آمریکا نقشی دوگانه دارد. ترامپ از نظر برخی سران حزب جمهوری‌خواه همچنان می‌تواند پایگاه وفادار به این حزب را بسیج کند اما حضور پررنگ و سبک سیاسی قطبی‌سازش می‌تواند بخشی از رأی‌دهندگان مستقل و حتی جمهوری‌خواهان سنتی را از نامزدهای حزب متبوعش رویگردان کند. از این منظر، وی دیگر برای جمهوری‌خواهان یک سرمایه انتخاباتی محسوب نمی‌شود! او اکنون عاملی است که می‌تواند هزینه دفاع از کرسی‌های آسیب‌پذیر جمهوری‌خواهان را بالا ببرد. پاس گل او به دموکرات‌ها، بیش از آنکه محصول حمایت مستقیم از رقیب باشد، در تشدید شکاف‌ها و دشوارتر کردن جذب رأی‌دهندگان مردد معنا می‌یابد.

جمهوری‌خواهان برای مقابله با این وضعیت به ابزارهای آشنای خود متوسل شده‌اند: بسیج حامیان مالی، تبلیغات گسترده و تزریق منابع به رقابت‌هایی که زمانی کم‌خطر به نظر می‌رسید. با این همه، پول بیشتر به‌تنهایی نمی‌تواند مشکل اعتماد، ضعف نامزد یا ناهماهنگی پیام سیاسی را برطرف کند. اگر بخشی از ایالت‌های قرمز به رقابت‌های نزدیک و غیرقابل پیش‌بینی تبدیل شود، پیامد آن از نتیجه یک انتخابات فراتر خواهد رفت. حزب جمهوری‌خواه ممکن است ناچار شود سال‌ها در دفاع از موقعیت‌های خود منابع و انرژی صرف کند و فرصت کمتری برای گسترش نفوذ سیاسی و انتخاباتی داشته باشد. تحلیلگران مسائل سیاسی در آمریکا معتقدند دموکرات‌ها لازم نیست در همه حوزه‌ها پیروز شوند تا موقعیت رقیب را دشوار کنند، کافی است شکاف‌های جمهوری‌خواهان را به مزیت انتخاباتی بدل کنند. اگر حزب جمهوری‌خواه نتواند انسجام خود را بازیابد و پیام قابل قبولی برای رأی‌دهندگان مردد ارائه کند، رقابت نوامبر ۲۰۲۶ ممکن است نقطه آغاز دوره‌ای طولانی از بحران تمام‌عیار سیاسی در این حزب باشد.

در شبکه‌های اجتماعی
@vatanemrooz